

هو العليم

دو بیان نوین و عمیق از امکان ملاقات خدا (۲)

بیان دوّم

برگرفته از آثار:

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین

حسینی تهرانی

قدّس الله نفسه الزکّیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ أَجْمَعِينَ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

تمام موجودات عالم آیات الهی اند

طریق و جهت دوم: استدلال دیگر [بر اینکه

انسان می تواند به شرفِ ملاقاتِ خدا برسد] این

است که: قرآن مجید تمام موجودات را، از

موجودات زمینی و آسمانی، موجوداتی که دارای

نفس هستند و نیستند، اینها را «آیه» عنوان می کند و

می گوید: اینها آیات خدا هستند.

ما اول برای شما آیه را معنی می کنیم تا اینکه

بینیم قرآن چه می خواهد بگوید، و اینها را که اسم

آیه رویش گذاشته، به چه قسم می خواهد به ما

معرفی کند.

آیه یعنی نشان دهنده و علامت. اما علامت: هر

چیزی که شما در این عالم می بینید که علامت چیزی است، یک جهت خودی دارد، یک جهت علامتیت و آیتیت برای غیر دارد. پرچمی که در خانه می زنید، یعنی اینجا روضه است؛ این یک جنبه استقلالی دارد که این پرچم رنگش سبز است، چوبش فلان است، به اینجای دیوار کوفته شده است، در روی این پرچم چنین نوشته شده است، خطش از مرگب است یا از نخ دوخته شده؛ اینها جنبه های خصوصی آن پرچم است؛ اما یک جنبه آیتیت نیز دارد؛ این پرچم دلالت می کند که در این مجلس و این منزل، محفلی است. مردم به این مجلس دعوت می شوند؛ پس در این پرچم، یک جنبه آیتیت هست.

اما یک چیزی که به هیچ وجه من الوجوه جنبه خودیت نداشته باشد و جنبه ارائه غیر داشته باشد، آن آیه محض است. مثلاً شما فرض کنید ما یک عینکی داریم، با آن عینکمان تماشا می کنیم؛ باز این عینک یک خودی دارد، یک جنبه ارائه غیر دارد. جنبه خودیت این عینک چیست؟ اینکه این شیشه اش سفید رنگ است، به شکل دایره یا به شکل

دوزنقه است، این شیشه‌اش از فلان کارخانه است؛ اینها جنبه‌های خودیّت است. جنبه ارائه غیر این است که فقط غیر را نشان می‌دهد. اگر انسان به جنبه خودیّت این عینک بنگرد هیچ غیر را نمی‌بیند؛ مثلاً انسان عینک را تماشا کند، ببیند که این شیشه‌اش چه قسم است؟ آیا موج دارد یا ندارد؟ مال چه کارخانه‌ای است؟ شکلش چیست؟ اصلاً نمی‌بیند. وقتی که عینک را به چشم بزند و متوجّه شیشه‌اش نباشد، با این شیشه متوجّه غیر باشد، تمام موجودات را با آن می‌بیند. این جنبه ارائه است، جنبه آیتیّت است، یعنی جنبه نشان دادن غیر.

لحاظ دو جنبه آلی و استقلال‌ی در

موجودات

آب صاف همین‌طور است؛ شما در یک استخری یا یک حوضی که آب صاف و آرام است، هیچ موج ندارد. بیاید کنار آن بایستید، می‌بینید به‌به! عکس تمام این درخت‌های کنار این دریاچه و کنار این استخر و حوض، و عکس ماه و خورشید و ستارگان و حتی عکس خودتان و افرادی که کنار آن دریاچه و حوض ایستاده‌اند، در آن حوض پیدا است! این مال

جنبه ارائه است که این آب چیز دیگر را نشان می‌دهد.

ولی آب اگر خودی داشته باشد، یعنی خودنما باشد، مثلاً موج داشته باشد، یا آلوده باشد، دیگر نمی‌تواند غیر را نشان بدهد، عکس در آن آب منعکس نیست.

آینه همین‌طور است؛ آینه یک جنبه خودی دارد، اینکه جنسش از شیشه است، فلان مقدار وزن دارد، یک ماده‌ای به نام جیوه پشتش مالیده‌اند، اینها خودی‌های آینه است. یک جنبه غیریت دارد که غیر را نشان می‌دهد. هر چه جنبه خودیت آینه کمتر باشد، غیر را بهتر نشان می‌دهد...^۱

... آینه خوب، آن آینه‌ای است که هیچ این جهات در آن نباشد؛ جنبه خودیتش کم باشد، خود نشان ندهد. وقتی شما در آینه نگاه می‌کنید، غیر از خودتان هیچ نبینید؛ شما را نشان بدهد؛ این می‌شود آینه، این می‌شود آیه. این طور درست شد؟ این را خوب فهمیدید؟ این معنی آیه است؛ آیه یعنی فقط

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۲۹ - ۱۳۱.

علامت و نشانه.

قرآن مجید می گوید: تمام این موجودات آیه‌اند، آیه خدا. آیه خدا یعنی: آینه خدا؛ یعنی چه؟ یعنی نشان دهنده خدا.

و این از اختصاصات قرآن است و خیلی عجیب است که قرآن مجید تمام این خصوصیات را می گوید: انحصار به ذات مقدّس پروردگار دارد و همه اینها آیه است. این خیلی عجیب است که تمام اینها را منحصر به پروردگار می کند و همه را می گوید: آیه...^۱

اموری که خداوند در قرآن از آنها تعبیر به آیه می کند

در سوره بقره می خوانیم:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ

^۱ همان، ص ۱۳۱-۱۳۲.

به به! چه خوب بیان می کند، می گوید: «در آفرینش آسمان ها و زمین و اختلافی که شب و روز با هم پیدا می کنند- بعضی اوقات روز کوتاه تر و شب بلندتر و بعضی اوقات به عکس است، و در نقاط مختلفه دنیا، در هر نقطه به کیفیت مخصوص، این دگرگونی و اختلاف مشاهده می شود- و این کشتی هائی که روی این دریاها حرکت می کند و مسافرین و مال التجاره را از این طرف به آن طرف حمل می دهد، و با باد این کشتی روی این آبها حرکت می کند، اینها همه آیه است؛ این آبهای رحمتی که ما از آسمان به صورت باران پائین می ریزیم، قطره قطره- یک مرتبه در آسمان را باز نمی کنیم و یک رودخانه کرج را روی سر مردم بریزیم- این آبها را به صورت قطره قطره منتشر می کنیم، به صورت باران می ریزیم و زمین را زنده می کنیم بعد از اینکه مرده بود، و ما به وسیله این آب از هر جنبنده و دابّه ای در روی زمین برای شما خلق

^۱ سوره البقرة (۲) آیه ۱۶۴.

می‌کنیم، خلقت خود شما، هر جنبنده‌ای، اقسام حیوانات، پرندگان، طُیور، ماهیان دریائی و نباتات و جمادات، تمام اینها به واسطه همین آب است؛ اینها همه آیه است؛ و این ابرهائی که بین آسمان و زمین مُسخرند و به امر پروردگار به این طرف و آن طرف حرکت می‌کنند؛ و این بادهائی که می‌وزد از این طرف و آن طرف، زمین را خنک می‌کند، سرد می‌کند، ملایم می‌کند، تلقیح می‌کند، درختان را آبستن می‌کند، وظائف دیگری که دارد؛ تمام اینها آیات است، نشانه‌هاست؛ ﴿لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۱ برای آن افرادی که عقلشان را به کار می‌اندازند و اینها را آیه می‌بینند!^۱

پس هرکس نگاه کند به هر موجودی از موجودات، خدا را دیده، و لقاء خدا از این روشن‌تر؟ این قدر آسان‌تر؟ به اندازه‌ای آسان است که انسان غیر از خدا را نمی‌تواند ببیند. آن کسی که با وجود این آیات می‌گوید: خدا نیست و غیر خدا هست. دیگر آن عین **«عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا»**^۲

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

^۲ الله شناسی، ج ۳، ص ۲۱۱، تعلیقه: «مرحوم آیه‌الله شهید حاج سیّد محمّد

و کور است...^۱

تفسیری زیبا از آیه شریفه ﴿سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا

فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾

علی کلّ تقدیر، آیه عجیبی است در قرآن مجید

می فرماید:

﴿سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى

يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَمْ وَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ شَهِيدٌ، أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ

بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ﴾ یعنی ما به زودی آیات خود را به

اینها نشان می دهیم در دو جا، یکی: در آفاق، یعنی

در خارج از وجود خودشان، کوه و در و دشت و

بیابان و سبزه و آب و خورشید و ماه و کشتی و باد و

علی قاضی طباطبائی - رضوان الله علیه - معلق محترم کتاب الفردوس

الأعلى، تألیف آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء - رضوان الله علیه - در

تعلیق خود بر این کتاب فرموده اند: "این کلمات درخشان با اندک تغییری،

از عبارات دعای عرفه است که سید الشهداء سلام الله علیه بدان دعا نموده اند،

و سید رضی الدین بن طاووس (قدّه) آن را در کتاب خود اقبال نقل کرده

است. "القاضی الطّباطبائی. حقیر مفصلاً پیرامون این دعا در ج ۱ الله شناسی،

از ص ۲۵۱ تا ص ۲۷۳ بحث کرده ام؛ و روشن شده است که از ادعیه ابن

عطاء اسکندری متوفی در سنه ۷۰۹ می باشد. و حاصل سخن آنست که: این

دعا دعای بسیار خوب با مضمون رشیق و عالی است و خواندن آن در هر

وقت مساعدی که حال اقتضا کند، مغتنم و مفید می باشد؛ اما اسناد آن به

حضرت سید الشهداء علیه السلام جائز نیست؛ و الحمد لله أولاً و آخراً و

ظاهراً و باطناً»

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۹.

ابر و اختلاف شب و روز و زنها و مردها و بلبلان و حیوانات چرنده و درنده و ماهی‌های دریا و مرغِ هوا، تمام اینها آیات پروردگار و آینه‌هایی است که ما قرار دادیم؛ آیه یعنی: آینه، تمام این موجودات آینه خدا هستند؛ هرکس یک آینه دست می‌گیرد و تماشا می‌کند. حالا شما فکر کنید خدا چه اندازه به ما آینه داده از این آیات؟! آخر هریک از این آیاتی که ما با او خدا را می‌بینیم یک آینه است دیگر؛ یک آینه به دست ما نداده، به دست هر فردی در هر لحظه‌ای میلیاردها آینه داده! که با هر آینه‌اش می‌شود خدا را از جنبه‌ای دید و خداوند را ملاقات کرد و به شرف او رسید، اما اگر انسان آن موجود را موجود نبیند، آیه ببیند، آینه ببیند؛ همین طوری که اگر شما می‌روید دکان آینه فروشی، آینه را می‌گیرید و خود آینه را می‌خواهید تماشا کنید، عکستان را نمی‌بینید، اما اگر بخواهید خودتان را ببینید دیگر انصراف از آیه و آینه پیدا می‌کنید و آن جنبه ارائه آینه را تماشا می‌کنید، همین طور به تمام موجودات به این نظر نگاه کنید! زید را می‌بینید او را نبینید، خدا را ببینید! عمرو را می‌بینید، درخت را می‌بینید، بلبل را می‌بینید، آب را

می بینید، تمام اینها مظاهرند، یعنی محلّ ظهور خدا است، یعنی این چیزی نیست، این ظهور خداست، «مَجَلّی» یعنی محلّ تجلّی خداست، یعنی این چیزی نیست، خدا در این جلوه کرده، پس جز خدا چیزی نمی بیند. ما آیات را در آفاق و آنفس به آنها نشان خواهیم داد.

آنفس چیست؟ یعنی خودت را بنگر! از خارج بیا در نفس! خود نفس هم یک آیه ای است، یک آیه بزرگی است و بزرگترین آیه است و حتّی بسیاری قائلند بر اینکه آیه نفس از سایر آیات مهم تر است و افرادی که از راه تفکّر به نفس و توجّه به نفس می خواهند به سیر کمالی خود ادامه بدهند، سریع تر و زودتر به مقصود می رسند؛ چون بالأخره با یک آینه بزرگتری که توأم با ذات خود اوست و نزدیک تر از هر چیز به خود اوست، می خواهند پروردگار را تماشا کنند. ما آیات را در آفاق و آنفس به اینها نشان می دهیم تا اینکه بر اینها روشن بشود که او حقّ است و بس! چقدر لطیف می گوید: اگر به هستی تمام این موجودات مستقلاً نظر بکنید، همه

باطلند، و خدا حقّ است و بس. در تمام عوالم (أَنَّهُ
 الْحَقُّ) خداست و بس! خدا زنده است، خدا علیم
 است، خدا حکیم است، خدا قدیر است، خدا خبیر
 است و در تمام موجودات اثری از این اسماء و
 صفات نیست.

﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛

«آیا کافی نیست بر خدای تو اینکه او بر هر چیزی
 شهید است؟!» یعنی اطلاع دارد و هیمنه و سیطره
 دارد و تمام موجودات در دستان با کفایت پروردگار
 قرار دارند و به لسان تکوین و وجود، در محضر او
 مشهود و مندرک در ذات او هستند.

نباید به لقاء خدا شک داشت!

﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ با وجود این

آیات پس دیگر کسی نباید به خدا و لقاء او شک
 داشته باشد، چون تمام این آیات آفاقیّه و آنفسیّه
 دارند خدا را نشان می دهند، امّا ﴿إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ﴾
 «این مردم در شکند.» که آیا خدا را می بینند یا
 نمی بینند؟ عجیب که این آیه: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْ
 لِّقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ دنبال آن آیه است که می گوید: ﴿سُنِّرِهِمْ
 آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ﴾؛ یعنی این ارائه آفاق

و أنفس، این آیات آفاقیه و أنفسیّه فقط برای لقاء است. تمام این آیات، آیات لقاء است، اما این مردم ﴿فِي مَرِيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾

«آگاه باش! که خدا به هر چیزی محیط است» در هر چیزی که اسم آن را شیء و چیز می‌توانید بگذارید، پروردگار بوجوده و بأسمائه و صفاته بر آن چیز احاطه دارد و حقیقت آن چیز مندرک در اسماء و صفات خداست؛ یعنی خداست.

بنابراین، این آیه هم از آن آیه‌های بسیار عجیب قرآن است که جاهای بحث روی آن هست و خیلی انسان باید روی آن دقت کند و لقاء خدا را خوب این آیه برای ما ثابت می‌کند؛ و همچنین آیات دیگری که ما درباره آیات و نشانه‌های الهی، برای شما بیان کردیم.

خُب! بنابراین آیاتی هم که در عالم وجود هست، این آیات خدا را نشان می‌دهد؛ اما اگر انسان به تمام این موجودات به نظر آیت و مرآت ننگرد و آنها را مستقل ببیند، خدا را نمی‌بیند. اگر انسان به این آب، به این درخت، به این کوه به نظر آیت ننگرد،

حُبُّ خدای را نمی‌بیند، این را می‌بیند، و این سدِّ راه
لقاءِ خدایش می‌شود.

عده‌ای آیات الهی را می‌بینند ولی باز ایمان
نمی‌آورند کما اینکه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱، «در این چیز آیه بود؛
اما اکثریت مردم ایمان نیاوردند.» یعنی او را به عنوان
آیة ندیدند، او را مستقلّ دیده‌اند، باید او را آیه
بینند، با او خدا را ببینند، اما اکثریت ندیدند. این آیه
درباره بسیاری از پیغمبران که قوم خود را دعوت
کردند آمده، ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ﴾ اکثریت ایمان نیاوردند.

﴿وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا﴾^۲ «اگر هر آیه را اینها
بینند ایمان نمی‌آورند.» یعنی آیه را آیه نمی‌بینند.

﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُغْرَضِينَ﴾^۳ «هر آیه‌ای از آیات خدا می‌آید که با آن
آیه باید خدا را ببینند، اینها إعراض می‌کنند.» یعنی
به آن آیه به جنبه استقلال می‌نگرند، نه به جنبه

^۱ سوره الشعراء (۲۶) آیه ۸.

^۲ سوره الأعراف (۷) قسمتی از آیه ۱۴۶.

^۳ سوره الأنعام (۶) آیه ۴ و سوره یس (۳۶) آیه ۴۶.

خداوند به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم آیه کبرای خود را نشان داد

علی کل تقدیر، این آیات قرآن است که تمام این موجودات را آیه می گوید و همه اش را می گوید خداست؛ و درباره پیغمبر اکرم در شب معراج می گوید: ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾^۲؛ «خداوند به پیغمبر اکرم آیه کبری را نشان داد.» یعنی آن آیه ای که از همه بزرگ تر است؛ چون تمام موجودات آینه هستند، اما آینه ها فرق دارد. شما آینه در دستتان می گیرید کوچک است فقط با آن دندانان را می بینید، یک آینه بزرگ تر است دهانتان را می بینید، یک آینه بزرگ تر است صورت، یک آینه بزرگ تر است نیم تنه، یک آینه بزرگ تر است تمام قد، آینه تمام نما، یک آینه ای فرض کنید که شما در مقابل خودتان بگذارید و درون بدنتان را هم ببینید، سلول هایش را هم ببینید، جریان خون و ضربان

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۰ - ۱۴۳.

^۲ سوره النازعات (۷۹) آیه ۲۰.

قلبتان را هم ببینید، یک آینه‌ای فرض کنید که جلوی خودتان قرار بدهید، فکر خودتان را هم بخوانید، مقدار علوم و قدرت و شجاعت شما هم در آن آینه نشان داده بشود؛ آینه‌ها فرق می‌کنند. تمام عالم وجود آینه است، «ای آفتاب آینه دار جمال تو»^۱ آفتاب هم یک آینه دارِ جمال خداست؛ اما یک آینه هست که هر چه هست، در او مشهود و هویدا است، و آن آینه بزرگ است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید به آن مقامی که خداوند آن آینه کبری را به او نشان داد؛ یعنی وجود او را در اسم اعظم و اولین تجلی و در مقام احدیت مندک و محو کرد؛ و از نقطه نظر مقام واحدیت، آن آینه خدا را نشان می‌دهد، یعنی ذات مقدس پروردگار را؛ در آن ذات فانی شد، و در مقام بقاء به اسم واحدیت متحقق شد، که تمام موجودات و این آیات همه در آن اسم مندک است. آن آینه از طرفی ذات را نشان می‌دهد و از طرفی در آن آینه و در آن اسم تمام این آینه‌ها و تمام این آیات مندک

^۱ دیوان حافظ، طبع پژمان، غزل ۴۱۶:

ای آفتاب آینه دار جمال تو *** مشک سیاه مجمره گردان خال تو

است. و عجیب آیه‌ای است ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾.

انسان یا خودبین یا خداین است

خُب! پس بنابراین ما امشب از این دو طریق استدلال کردیم که قرآن مجید بالصِّراحه می‌گوید: لقاء خدا هست: یکی از ناحیه آیات و نشانه‌ها؛ یکی از ناحیه همان آیاتی که دلالت می‌کرد بر انحصار سمع و بصر و علم و قدرت و ... در ذات مقدّس پروردگار؛ که بایستی انسان در مقام علم و عمل یک کمی حرکت بکند تا اینکه کم‌کم به حول و قوه خدا جنبه‌های خودبینی از او بیرون برود و جنبه‌های خدا بینی پیدا بشود.

حقّ بین نظری باید، تا روی تو را ببند *** چشمی که بود خود بین، کی روی تو را ببند^۱

هرچه از خودبینی کم بشود به خدا بینی اضافه می‌شود، و هر چه به خودبینی اضافه بشود جنبه آیتت کم می‌شود، انسان خدا را نمی‌بیند. شما آینه خیلی خوب را دست بگیر و خرابش کن، پشت جیوه‌اش را چیزی بمال و خرابش بده، این قدر در این آینه خطوط نامناسبی پیدا می‌شود که شما بعضی

۱ دیوان اشعار سید عماد الدین نسیمی.

اوقات صورت خود را نگاه می کنید و حشت می کنید،
آینه را زمین می زنید، می شکنید، آینه دیگر نیست.
انسان هم در اثر معصیت همین طور می شود، آن قدر
جنبه خودبینی و استکبار و استقلالش زیاد می شود،
که دیگر نمی تواند خدا را نشان بدهد، اما در جنبه
طاعت اگر برود جلو، این خودبینی اش کم می شود و
خدابین می شود.^۱

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.